

علل سقوط حکومت مسلمانان

مخبرها شریعتی

مشهد

اسپانیا

زبانى خود، این چهار آرزوی برآورده شد اما خواسته پنجم او که "دولتى خوب" باشد رد شد چه در آن صورت نیست که سلسله این جهان باشد در روی زمین بوجود می آید. حمله اخیر از آنجا سرچشمه گرفت که سرزمین اسپانیا^۱ کمتر روی زمین بود و غالباً گرفتار هرج و مرج ها و انقلابات بود است و اصولاً خون حکمهوری و ناراحتی بی نهایت اسپانیولی ها نهفته است.

سرزمین اسپانیا علاوه بر غریب طراوت، دارای حیات طبیعی، زمکری و همانطور که یکی از سرداران اسلام در نامه خود به خلیفه وقت می نویسد "این کشور در فتنگی آسمان و زمین، شام، در لطافت آب و هوا، یمن، در گل و ریاحین و اسرار عطریات، هند، در ثروت و حاصلخیزى

۱- کتاب سرزمین خاطرهها ص ۷

۲- تاریخ حکومت مسلمانان ص ۲۵۴

۳- اندلس نام قدیمی کشور اسپانیا بوده است.

بهر و در احجار گریبه، چین می باشد

xxxxxxx

ظاهرهای تلخ و شیرین

در گوشه و کنار شهرهای اسپانیا، در میان اسپهه طوقه گریه های زیبا و دلرئسای طبیعت که میتواند هر بیننده ای را غرق غم نعلای خود کند، مناظر خالصی به چشم می خورد که در سایر نقاط اروپا دیده نمی شود، اینها مناظر طبیعی نیستند، بلکه ساخته های طبیعت بشرند و هر کدام از آنها ۱۵۵۵ تا ۱۷۵۵ سال از عمرشان می گذرد ولی در همین حال با ترقی و ترقی و حالند که از همه چیز بیشتر توجه مخاطب را به کن کشور اسپانیا را بخود جلب میکند. این آثار و عمارت های است که از دیرباز حکومت مسلمانان در اسپانیا بنا کرده اند و عفت و حلال و انبساط تمدن مسلمانان را در خاطر هر بیننده ای زنده می سازد. گوجه ای از این "سجد الحجزا" "سجد قرطبه" "کلیت ویرالدا" و عمارت "القصر" در "اسپلیت" از "نصر الحجزا" در "غرناطه" هر کس را متعجب خود می کند ولی بسیاری از مسلمانان حلو و با ترقی دیگری دارند و ظاهرهای شیرین و تلخی را زنده می کند.

شیرین، از این جهت که در لایزال کاشیکارهای زیبا و سقفهای مفرس و آبنمای مرتفع آن آثار یک معن خیره کننده

و برابست دیده می شود و عظمت و حلال ۷۱۷ مرن حکومت مسلمانان را سعاد می آورد، ولی تلخ، از این جهت که بلافاصله انسان را سعاد اغراض این تمدن بزرگ می اندازد و خاطر می آورد که اروپای مسیحی چگونه بواسطه بافتنه های مرموز و خطرناکی جای پای خود را بر این سرزمین زیبا، یار کند و دست مسلمانان را از آن کوتاه نماید؟؟

سعاد می آورد که چگونه دستگاه استعمارگر مسیحی توانست جوانان مسلمان را از سرپرستی خود باز دارد و آنان را بخواب فریبده و هوسرانیها و بی بندوباری ها سوق دهد، و آنگاه در یک فرصت مناسب بر آنان بتازد آنان را قتل عام نموده، سیکسار سرزمین اندلس را از "خون خواب رفته" آنان رنگین سازد، آنگاه در نظر می آورد که دریای هریک از این عمارت ها و در زیر هر قدم که در اسپانیای زیبا بر میدارد احساس خون آغشته صدها پسر و جوان مسلمان نهفته شده و گویا از خون آنهاست که اسپهه لاله های سرخ و گلپای رنگارنگ خود نمائی میکند!

اسپاحت که بدببال آن شوق و نادای رودگذر، اشک عم بر گونه های هر مسلمان عبور جاری می گردد، دندان سیم میخارند و خون در عروفت جوش می آید.

xxxxx

در اینجا اجازه می خواهم که مختصری درباره نقشه های ویران کننده مسیحیان شرح شماره ۱۵ سال ۱۷

تاریخ پرمخارجای کشورهای اسلامی در طول ۱۴ قرن، حوادث گوناگون رویدادهای تلخ و شیرین بسیاری را ضبط نموده است. ولی کمتر حادثه ای همانند سربوخت شوم کشور زسای "اندلس" نگاشته شده و میرت انگیزی باشد. بی جهت نیست با آنکه نویسندگان آن تاریخ می گذرد، هنوز هم خاطره سرگذشت اندلس زنده باقی مانده است.

اندلس سرزمین زیبایی است که در آخرین قسمت اروپا واقع شده است. سسه اروپایی است و به غیر اروپائی که "اسپانیولی" است.

در افسانه ها گفته اند که در آغاز خلقت که خدای متعال نیک و بد را در میان کشورها تقسیم می کرد هر کشوری می توانست پنج چیز بخواهد تا بوی داده شود. اندلس هم پنج چیز تقاضا کرد:

۱- آسانی صاف و روشن، دریاکی
۲- درخت و برار ماهی، میوه ها، شیرین و
۳- مکتب اسلام

آلت فراموش نکنید که: اسپانیا
 "سپانیا" سرزمینی نیست که مورد توجه دستگاه
 "حرب دشمنان اسلام قرار گرفته و مردم آن
 سپاه طشی نیست که گرفتار حملات سرجمانه
 آنان شده‌اند. بلکه تاریخ امتثال این قصه را
 مکرر نشان می‌دهد و از قرن چهارم هجری که
 اروپای مسیحیت موجه معظم تمدن و حکومت
 اسلامی و خطر عمیق آن برای دستگاه باب و
 کلیسا شد مشابه این وقایع در گونه و کسار
 کشورهای اسلامی فراوان چشم می‌خورد که
 یکی از نمونه‌های روشن آن جنگهای ویران
 کننده صلیبی است. و چرا بگوئیم که اگر
 ایران عزیز ما بلکه تمام کشورهای پهناور
 اسلامی روزی با اعمال سربازان خسرو بیزیم
 "مغول" شد و هنوز مدار گذشت فریاد
 نواسته خسارهای آنرا کاملاً حیران کند
 در اثر تحریکات باب و کلیسا بود؟

حوانات عزیز تاریخ با هم تکرار
 می‌شود. خسرو هم کلیسا عزایس و بیرون خود
 را از نفوذ و پیشرفت سریع اسلام از دست
 نداده و هنوز هم نقشه‌های ماهرانه خود را
 فراموش نکرده است. امروز هم ایسادی همان
 کلیسا که معدن درختان اسپاسازا به آن روز
 ساه شایندد فعالیت خود را در ممالک کوچک
 و بزرگ اسلامی رها نکرده‌اند. و خواهیم دید
 که مشابه همان روشی که در سن قرن قبل
 داشته‌اند هم اکنون نیز در کشورهای اسلامی

مکتب اسلام

تکرار می‌کنند.

امید است با تذکر این تاریخچه
 کوتاه بتوانیم افکار شما جوانان مسلمان نیز
 را درباره نقشه‌های شوم و خطرناک آنها
 روشن سازیم.

xxx

اسپانیا یا سورزمین مسلمین مقدس
 بود که دل‌های اروپای کلیسا را سخت می‌آرد
 و شمع نورانی این لکه تیره در دامان اروپای
 ساه و تیره بخت چشمان آنان را خیره کرده
 بود. برای موقع بود که پیش بینی غربت
 اروپای مسیحیت در طرف مدت کوتاهی
 تبدیل به یک قاره اسلامی شود زیرا صد
 سم اسپانیا مسلمین از قلعه خیال "برند"
 در میان آسمان فراتر می‌پسید و در ناچار
 کلیساها متعجب می‌شد و گوش باب و سایر
 رهبران نصرانی را شدت آزار می‌داد.

شاید از همان روزها بود که کلیسا
 سیدار شد. متوجه خطر شد و تصمیم خود را
 گرفت. تصمیم گرفت بهرگونه که می‌تواند
 و سپهر و سیله‌ای که ممکن است. چه و سانس
 مترو و وجه دسته بازهای سیاسی
 ناخواندانه از پیشرفت سریع اسلام در آن
 که تنها مرکز نفوذ کلیسا بود جلوگیری کند.

۴- مدارک زنده این مطلب را در مجله مکتب
 اسلام شماره ۱۱ سال سوم مطالعه فرمائید.